

جایگاه مجموعه زهاک در روند ترویج اندیشه‌های مهرپرستی و معماری مرتبط با آن

بهروز عمرانی

عضو هیئت علمی پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

امین مرادی*

دانشجوی دوره دکتری رشته باستان‌شناسی گرایش دوران اسلامی دانشگاه مازندران

(از ص ۱۱۳ تا ۱۲۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۵/۳۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۱۰/۲۳

چکیده

در میان تواریخ کمتر تاریخی به قدر تاریخ پارت‌ها تاریک و نارساست. پیرو کشورگشایی‌های پارتی و تشدید اصطکاک موقعیت مرزی در سرحدات غرب و شمال غرب ایران، بقایای مجموعه ضحاک را می‌توان کانون تمرکز قدرت حکومتی در طی سده اول میلادی دانست، تا جایی که برجستگی نفوذ مذهب با حضور مستقیم و تعیین‌کننده معبد در سرنوشت سیاسی - نظامی آن آشکار است. از آنجایی که تاکنون معابد پارتی را در نجد ایران کشف نکرده‌اند و همواره ایالات خارجی شاهنشاهی این خلأ را پر کرده‌اند، تحقیق پیش‌رو بر آنست تا به روش تحلیلی - تطبیقی و یافته‌اندووزی به روش کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن معرفی معبد مهر ضحاک - که عکس‌العمل سیاسی پارتی علیه گونه‌های معماری مذهبی رومی می‌باشد - شمال غرب ایران را با دارا بودن پیش‌زمینه‌های مساعد تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی، دروازه ورود آئین میترائیسم به اروپا معرفی و به بررسی الگوهای معماری معابد این دوران بپردازد.

واژه‌های کلیدی: آئین مهرپرستی، معبد مهری، معماری پارتی، تزئینات معماری، منطقه آذربایجان.

۱. مقدمه

جهان ایرانی و دنیای روم - یونان، در هیچ دورانی، از دیدگاه فرهنگی، حکومتی، همکاری‌های نزدیک و دوجانبه و همسازی به یکدیگر نرسیده‌اند و با بیگانگی‌های به کینه‌توزی آمیخته، همیشه از یکدیگر جدا مانده‌اند (کومن، ۱۳۸۳: ۱۴). به لحاظ مذهبی، آئین مهرپرستی و مسیحی با آن که خاستگاه‌های مشترکی داشته‌اند و باورها و رسوم در آنها مشترک بوده است، اما همچون رقیبی به معارضه پرداخته‌اند و این ستیزه‌جویی اجتناب‌ناپذیر بوده است، زیرا به روشنی دریافته بودند که برد هر یک به معنای استیلای فرهنگی و حکومت بر جهانی پهناور است. باین‌حال سزارها، اشراف و دولتمردان رومی در طول دو سده، با سختی و جذابیت از آئینی پیروی کردند و در بقاء و انتشار آن کوشیدند که خاستگاه آن ایران (Nasstrom: 2004) و پیروانش در سرزمینی بودند که دشمنان سرسخت هم محسوب می‌شدند (Bremmer, 2006: 45). بعضی از سزارها، چون کالیکولا و نرون می‌خواستند نقش بطالسمه را در مصر و ایتالیا عهده‌دار شوند و مدعی بودند که خدایان در آنان حلول کرده و تجسم خدا به روی زمین هستند. اما هنوز چنین ادعاهایی مورد قبول رومیان واقع نمی‌شد. (Meyer, 2011:60). رومیان با زمینه فکری دیگری پرورش یافته بودند، این اندیشه که ستایش سزارها همچون ستایش خدایان است، و حتی زمینه شرقی آن، مورد قبولشان قرار نمی‌گرفت. حتی در دوران بعدی نیز چنین زمینه‌سازی و القائاتی مثمر‌تر واقع نگردید. اندیشه و زمینه‌ای پخته‌تر و کارآمدتر لازم بود تا بتوانند چنین موضوعی را به مردم تحمیل کنند که آیین میتراپی توانایی آن را داشت (کومن، ۱۳۸۳: ۹۵). و این همان چیزی بود که اشکانیان در پی آن بودند، یعنی معتقد بودند که ایزد مهر در وجود شاهان حلول کرده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۴۶). این گرایش‌ها با روی کار آمدن مهرداد دوم و تشدید حساسیت نقش استراتژیک ارمنستان در عرصه تاریخ (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۲۰۰)، غرب و شمال غرب ایران را تبدیل به نقطه بحران سیاسی - نظامی ایران و روم می‌کند (Armstrong, 2010: 3). تا جایی که هیچ‌یک از دو دولت روم و پارت مایل به استقلال کشور اخیر نبود، زیرا از نظر هردو، ارمنستان به لحاظ سوق‌الجیشی در مرحله اول اهمیت قرار داشت (William, 2010:121) و نقش آن در جغرافیای نظامی منطقه غیر قابل چشم‌پوشی بود (Poirot, 2003:2).

هرچند پیرو اشارات پلوتارک، مهرپرستی را دزدان دریایی اسیر پمپئوس به روم بردند و در نتیجه میترائیسم با سپاهیان رومی به نواحی رن (Rhine) و دانوب (Danube) رسیده است (گیریشمن، ۱۳۸۸: ۳۲۰)، باین‌حال، نگارندگان، معبد مهر زهاک را از مراکز عمده ترویج اندیشه میترائیسم به اروپا می‌دانند، چرا که تأثیر فرهنگی چندصد ساله یک منطقه جغرافیایی در تماس مستقیم با دولت روم را نمی‌توان با تأثیر گروهی دزد دریایی یا مشابه آن مقایسه کرد. از این منظر، معرفی و بررسی یگانه معبد مهرپرستی نجد ایران در شمال غرب کشور در طی حکومت پارتیان، ضمن رفع خلأ تحقیقاتی در روند معماری مذهبی اشکانیان، راهگشای چگونگی نفوذ آئین مهرپرستی به اروپا، تأثیر و تأثرات متقابل آن و سیر تکوینی معابد پارتی خواهد بود. علاوه بر آن، نتایج پژوهش، معرف الگوی مشترک معماری میترائیسم‌های اروپا ضمن تدقیق فقر مطالعاتی در زمینه ساختار معابد مهری ناشی از سیاست‌های ضد میترائیسم کنستانتین (Moghadam, 1975)، در اروپای معاصر روم با ایران اشکانی خواهد بود.

۲. بررسی وضعیت دین در دوره اشکانیان

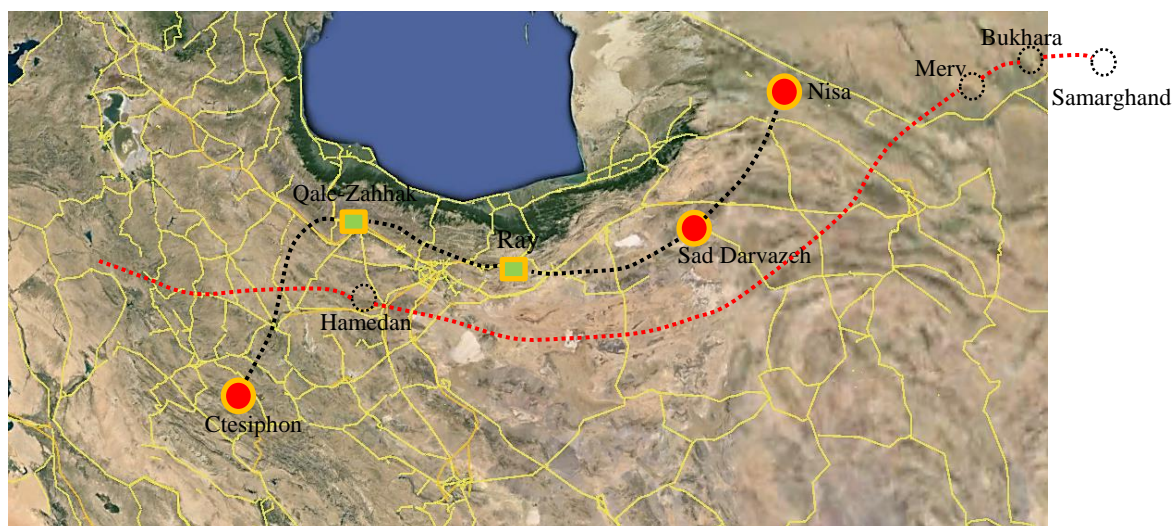
هرچند اطلاعات موجود در خصوص مذهب پارتیان اغلب مبهم و نارساست (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۲۰۸)، نظریات متنوعی درباره وضعیت مذهب در دوره مزبور وجود دارد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۴۷). چون پارتیان زمانی که با سکاها همسایه بودند، آفتاب و ماه و ستارگان را می‌پرستیدند و چون با پارسی‌ها مخلوط شدند، اهورامزدا را ستایش نمودند و وقتی با سلوکی‌ها و یونانی‌ها ارتباط پیدا کردند ارباب انواع را پرستش کردند و آن هنگام که با کیش و آئین زرتشت آشنا شدند به مذهب زرتشت گرایش پیدا کردند (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۲۰۸). از طرفی گستردگی جغرافیایی حکومت اشکانی برهم‌کنش متقابل اندیشه‌های مذهبی در مرزهای سیاسی (به‌خصوص در نقطه تقابل با روم) را دربر داشته است (Agnes, 2010)، تا جایی که برخی از خدایان مشترک ایرانی و رومی به صورت خدای واحد درآمدند و مردم این خدایان را حقیقت یگانه‌ای تصور کردند. بررسی نحوه پراکنش آئین اشکانی در مرزهای سیاسی امپراتوری، این نکته را که دین، متناسب با شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی بوده است آشکار می‌سازد (Miller, 2006: 112). در این راستا، مهرپرستی و آئین مرتبط با آن بیشتر در نقاط مرزی امپراتوری متمرکز بوده است تا سایر بخش‌ها (Scheidel, 2009: 104). چراکه ضمن ترویج فرهنگ نایل شدن به سعادت معنوی مبارزان در راه دین (بیوار، ۱۳۸۳: ۸۵)، موجبات دفاعی تأمین و توسعه سیاسی حاصل گردد. چنین به نظر می‌رسد که جلب حمایت مردمی از سوی حاکمیت، زمینه‌های متنوع ترویج اندیشه‌های مذهبی در دوره پارتی را سبب شده است (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۸۹). در این میان جایگاه ارمنستان و غرب و شمال غرب ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی، دشت‌های حاصلخیز و قرارگیری آن در مسیر ابریشم، از دلایل عمده کشمکش میان ایرانیان و رومیان بوده است (احمدی، ۱۳۹۲) از این منظر، کنش‌های سیاسی - مذهبی ایران و روم در نقطه مزبور اجتناب‌ناپذیر بوده است؛ به همین دلیل تجهیز جغرافیای منطقه‌ای به مراکز نظامی از عمده چالش‌های معماری پارتی در منطقه آذربایجان بوده است تا جایی که بقایای مجموعه سیاسی - حکومتی زهاک با دارا بودن عناصر معماری مهرپرستی را باید از مراکز عمده نظامی ایران به جهت مقابله با روم دانست.

۱-۲. جغرافیای شکل‌گیری میترائیسم و مبانی سیاسی آن

مهرپرستی، از قدیمی‌ترین آیین‌های ایرانی است که قدمت آن به هزاره دوم ق.م می‌رسد. متون زرتشتی کهن از «مهر» یا «میترا» نام می‌برند. همچنین، از مهر در کنار دیگر خدایان، در کتیبه‌های میخی متعلق به ۱۴۰۰ ق.م نام برده شده است (شکاری نیری: ۸۵). دوران پارت را باید دوران اوج گسترش دین مهری در ایران و خارج از قلمرو مرزهای آن دانست. پارت‌ها چنان به این آئین پایبند بودند که دو نفر از پادشاهان معروف این سلسله؛ مهرداد اول (۱۳۸-۱۷۱ ق.م) و مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ م) خود را برگزیده ایزد مهر می‌نامیدند (Sheldon, 2010: 46). به طور کلی، مذهب و هنر مرتبط به آن، منظر، معرفت، رابطه معنوی و حس درونی و خاطره‌ازلی خاص خود را از مکان، فضا، زمان و واقعیت‌ها و پدیدارهای طبیعی و طبیعت جهانی که در آن می‌زیسته‌ام گرفته است (ملاصالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). از این رو، وابستگی شدید مابین مشخصه‌های اصیل مذهب مهرپرستی با عناصر طبیعی پیرامون و جامعه تکوین‌یافته در آن انکار نشدنی است؛ تا جایی که غار، نوع لباس، مراسم گاوکشی و حیوانات مورد علاقه نشان می‌دهد که میترائیسم نشئت‌گرفته از یک دوره شبانی است (کومن،

۱۳۸۳: ۴۸). از طرفی جایگاه خدای مهر به عنوان حامی جنگجویان و سربازان^(۱) و نیز نگهبان عهد و پیمان^(۲) (اکبری و دهنو، ۱۳۸۵: ۴۷)، (شریفیان و غفوری، ۱۳۸۷) موجب شده تا مهر و آئین مهرپرستی، به گونه‌ای به سرحدات مرزی کشور در تزویج با طبیعت کوهستان و غار- که از ضروریات زندگی شبانی است- معطوف گردد تا ضمن آماده‌سازی فرهنگ مردمی، موجبات دفاع مرزی در این نقاط میسر گردد. اهمیت نقش مهر در رابطه با تنظیم ضوابط مرتبط با جنگ و دفاع تا جایی است که بعدها به موجب پشتیبانی از جنگاوران، عنوان ورث‌رغنه (بهرام) را به خود می‌گیرد (Wiesehöfer, 2010: 108). این که چرا در مناطق مرکزی ایران و دشت‌های هموار آن هیچ‌گونه نشانی از مهر و مهرپرستی وجود ندارد، خود دلیل روشنی بر این مدعاست^(۳).

در تشکیلات سیاسی پارت، مال‌التجاره‌هایی که اخذ می‌شد، از مهم‌ترین منابع عایدات دولت بود. از طرفی انجام داد و ستد که مطابق قانون یکی از مشاغل اجتماعی محسوب می‌شد، تغییرناپذیر بود. اشکانیان می‌کوشیدند مانع ارتباط مستقیم روم و چین شوند (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۲۰۰) تا اسباب بازرگانی در ایران پارتی، به عنوان کشور واسطه حاصل شود (Liu, 2010: 89). از این رو، سیر تغییر و تحول در نحوه گزینش پایتخت‌های جدید حکومت پارتی، مراکز دولتی، مذهبی و نظامی همواره به موازات مسیر تجاری ابریشم بوده است.



● پایتخت‌های اشکانی (نساء- هکاتوم پلیس - تیسفون)

..... جاده ابریشم در دوره اشکانی

■ مراکز مهم مواصلاتی اشکانی

تصویر ۱. موقعیت قرارگیری پایتخت‌های اشکانی و سیر انتقالی آن از شرق به غرب با توجه به اهداف سیاسی (گسترش مرزهای حکومتی) و اقتصادی (کنترل تجارت در مسیر ابریشم). (منبع نقشه: Google Earth, 2014)

۲-۲- وجه مشترک مهرپرستی و نمود آن در مهر قلعه زهاک

مهر خود خورشید نیست، بلکه نور و روشنایی است که تاریکی را زایل می‌کند (Malandra, 2011: 112). مبانی مشترک مذهبی ایران و روم موجب شده است تا میترا در هاترا با شمش یکی دانسته شود. رسم قربانی گاو را باید وجه مشترک تغییرناپذیر مهرپرستی دانست که در آن ایزد مهر به کشتن نخستین گاو اقدام کرده است.

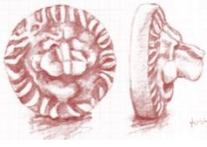
این روند را رمزی از رستاخیز و تجدید حیات طبیعت در بهار (غلبه خورشید بر ماه) دانسته‌اند (گرمال، ۱۳۶۷: ۹۸). همچنین با توجه به تأخر پیشینه خورشیدپرستی بر ماهپرستی در ایران و وجود سنت غلبه توتم جدید (خورشید/شیر) بر توتم قدیم (ماه/گاو) در دوره‌های انتقال تمدن‌های توتمی، این نماد را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که توتم غالب، توتم مغلوب را در اختیار می‌گیرد (صمدی، ۱۳۶۷: ۳۵).

سیر تحول پرستش آفتاب، اساس و پایه آئین میترائیسم است و مغان در این دوره، به عنوان روحانیون آئین آفتابپرستی حضور دارند (Deman, 2011:78). خورشید، شیری پنداشته شده که پنجه بر پشت گاو زده است. این طرز بیان در معبد زهاک از طریق پنجه‌های قدرتمند کلاغ صورت گرفته است.

چو خورشید زد پنجه بر پشت گاو
 ز هامون بر آمد خروش چکاو
 (فردوسی، ۱۹۶۶، ج ۴: ۱۸۲)

تجلی مهر به صورت خورشید در تندیس‌های پارتی مجموعه زهاک به صورت سر انسانی در میان شعله‌های نور نمایان است^(۴)؛ این که مهر با شانه‌های خورشید همراه شاهان نمایان شده است، امری معمول که نه تنها بعدها در ایران ساسانی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در روم نیز از اقبال عام برخوردار بوده است. از طرفی تشابه شراره‌های خورشید به نزدیک‌ترین و قوی‌ترین شکل حیوانی ممکن، یعنی شیر، موجب شده تا مهر همواره با ساختار شیر و خورشید همراه گردد.

جدول ۱- نمود فیزیکی مهر در تزئینات مراکز مهرپرستی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

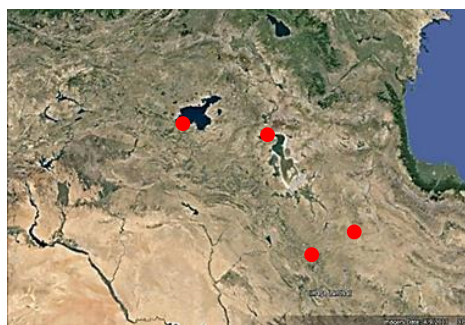
			
گچبری با نقش شیر از محوطه زهاک	تصویری از ستون‌های گچی از محوطه تساء	بخشی از تزئینات معماری شهر دستوا در شوشتر	بخشی از تزئینات گچی قلعه زهاک. تمثیلی از میترا در میان شعله‌های خورشید.
			
بالا: سکه بهرام دوم (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). پایین: سکه ضرب آنتونیوس (۲۷۵ م.). روم	صفحه نقره‌ای قرن دوم و سوم میلادی از روم (Wikipedia.org)	مجسمه‌ای از میترا محفوظ در موزه باستان-شناسی میلان (Cumont et al. 2009:58)	نقش برجسته میترائی از روم. (Wikipedia.org)
			بخشی از یک تابلوی میترائی مکشوفه از روم. (قرن دوم و سوم هجری Cumont et al. 2009:58)

۲-۳. قلعه ضحاک

تلاش در زمینه تعریف حریم دفاعی مشخص به منظور پناهندگی و ارج نهادن به آرمان‌های قومی، از مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت در طول تاریخ بوده است. از طرفی مسئله تهاجم و دست‌اندازی دولت‌های نیرومند بر ضعیفان، مسئله تازه‌ای نیست و ریشه در اعماق تاریخ دوانده است. به نظر می‌رسد ویژگی طبیعی - دفاعی

دولت‌شهر زهاک در طی دوره پارتی، با مساحتی بالغ بر ۳۰۰ هکتار با ترکیبی از عناصر دفاعی – مذهبی، جایگاه آن را تا مکان اصلی تصمیم‌گیری‌های دولتی ترفیع داده است. ادغام و تلفیق شهر زهاک با نقاط مسکونی اطراف آن، و حذف نابرابری‌های اجتماعی – فرهنگی و اقتصادی – سیاسی بین این دو نوع کانون زیستی، الغای خودفرمانی شهر و... نتیجه تصمیم قاطع دولت اشکانی برای روبیدن (پاک کردن) مفاهیم یونانی در جامعه است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۲).

بقایای قلعه ضحاک بر فراز تونل شمال ۳۸ راه‌آهن تهران – تبریز در شانزده کیلومتری جنوب شرقی شهرستان هشترود و در حدود سه کیلومتری شرق ایستگاه خراسانک واقع است. بقایای وسیع مجموعه بناها با مصالح سنگ، گچ و آجر در محدوده‌ای وسیع بر ارتفاعات کوه داش‌قلعه قابل مشاهده است (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۱۲۲) که این موقعیت قرارگیری با اعتقاد بر استقرار جایگاه خدایان بر فراز کوه‌های خوش‌منظر و بلند مطابق می‌باشد. جایگاه آب به عنوان عنصری پاک و تطهیرکننده در فرهنگ ایرانی شناخته شده است (Tahmouri and Hoseinrazavi, 2013). این که در نزدیکی مراکز مهرپرستی می‌بایست رودخانه‌ای جریان داشته باشد، چرخش رود قرانقو در بستر طبیعی محوطه زهاک، ضمن ترفیع این خلأ، شبه‌جزیره کوچکی را به وجود آورده است که از نظر دفاعی بسیار حائز اهمیت است. از نظر گاهنگاری، مجموعه زهاک یک طیف گسترده زمانی از اواخر هزاره دوم ق.م تا دوره تیموری را دربر می‌گیرد، به نظر مینورسکی، موقعیت قلعه زهاک با محلی که بطلیموس به عنوان فاناسپای از آن نام برده مطابقت دارد و برای این نظریه اظهارات بطلیموس در مورد طول مسافت بین آتشکده‌های سرزمین ماد با آذربایجان امروزی مطابقت دارد (Kleiss, 1973: 165). از طرفی در یک دید مستقیم هوایی بقایای مجموعه زهاک در ارتباط با آذرگشنسب (همتای ساسانی خود)، مهم‌ترین مجموعه نظامی – مذهبی قرون بعد می‌باشد.



تصویر ۲. موقعیت قرارگیری مجموعه زهاک نسبت به مراکز مهم مهرپرستی در آذربایجان (نگارندگان: ۱۳۹۳)

در بیشتر کتب تاریخی از این قلعه به نام «زهاک» نام برده‌اند. در زبان محلی در روستاهای اطراف، نحوه تلفظ نام مجموعه متفاوت است، اهالی روستای عربلو که نزدیک‌ترین آبادی به محوطه است با نام «زوهنگ» از آن یاد می‌کنند، این در حالی است که در خراسانک به آن «زهنگ» و «زوحه» گفته می‌شود. به هر حال، تلفظ محلی محوطه هرچه باشد، مطمئناً زهاک با (ز) نوشته می‌شود نه به صورت ضحاک. چرا که «ضحاک» واژه‌ای است عربی به معنای خندان. در زمان حمله اعراب به آذربایجان، تغییراتی در نوشتار کلمه و تلفظ

ضحاک ایجاد شده است (قندگر: ۱۳۸۴). از طرفی با توجه به وجود آثار دوره ماد در قلعه به نظر می‌رسد که نام زهاک از آستیگ و آژدهاک^(۵)، چهارمین سرسلسله دودمان ماد گرفته شده باشد (گیریشمن، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

در طرح ساختمان شهر پارتی زهاک، همچون نمونه‌های مشابه، سه بخش دیده می‌شود؛ کهندژ برای امور نظامی، ارک یا داخل شهر، و حومه (ربض). هرچند بخش جنوبی محوطه زهاک به جهت افزایش توان نظامی با برج‌وبارو تقویت شده، بخش شمالی شهر نیز با توجه به حالت پرتگاهی و وجود رودخانه قرانقو، از کیفیت دفاعی بسیار بالایی برخوردار بوده است.

ارگ شهرها در عصر پارتی به شکل چهارگوش یا مستطیل دارای برج‌وبارو بوده است (Curtis, 2009). برجستگی این ویژگی، در محوطه‌های اشکانی نسای نو، آی خانوم، تاکسیلا، سرخ کتل موجب شده تا برج‌های چهارگوش را از وجوه جدایی‌ناپذیر مجموعه‌های پارتی بدانند (Frye, 1983)، از طرفی بهره‌گیری از برج‌های دفاعی نیم‌دایره با معماری خشکه‌چین به منظور افزایش توان دفاعی در برابر گلوله‌های منجنیق، در معماری قلاع هزاره اول ق.م، به‌خصوص معماری اورارتو، باعث شده است تا تضاد حجمی برج‌های مستطیل‌شکل و استوانه‌ای، همنشینی معماری هزاره اول ق.م و معماری اشکانی را در ساختار مجموعه زهاک به خوبی آشکار سازد (Kleiss, 1973).



تصویر ۳. موقعیت قرارگیری بقایای معماری پیش از دوره پارتی با مشخصه برج‌های مدور و مصالح خشکه‌چین (Kleiss:1973)

۴-۳- پاوویون

از مهم‌ترین وجوه معماری این مجموعه، بقایای پاوویون یا چهارتاقی است که در کناره غربی یک پرتگاه ساخته شده است. اهمیت پاوویون در ساختار فضایی مجموعه زهاک تا بدان جاست که بقایای معماری آن نماینده تنها بنای پیش از اسلام پابرجاست و هیچ بنای قابل مقایسه‌ای با پاوویون در ایران شناخته نشده است (قندگر: ۱۳۸۴). این بنا به صورت چهارگوش و به ابعاد ۹×۹ متر و پایه‌هایی به ابعاد ۲/۷۵ × ۲/۷۵ متر که پهنای هرکدام از دهانه‌ها ۴/۳۶ متر می‌باشد، ساخته شده است (همان، ۱۲۲). پاوویون، امروزه از سه جهت ورودی دارد که به نظر می‌رسد جهت سوم که مسیر دائمی بادهای نسبتاً شدید منطقه‌ای می‌باشد بعدها مسدود شده باشد. نمای معماری پاوویون بدون نظر داشت کنگره‌ها، یادآور نمای غربی کاخ آشور در عراق می‌باشد (قندگر: ۱۳۸۴)، از طرفی تشابه ساختاری پاوویون با بناهای یادبود سزار در روم و شیوه اجرای عمودی آجر در آن - که قابل مقایسه با هاترا و کاخ آشور است - این فرضیه را که طرح رومی آن در ترکیب با سنن شرقی از جمله

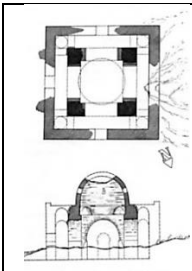
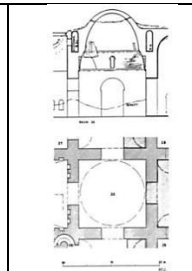
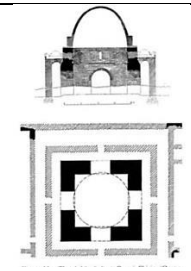
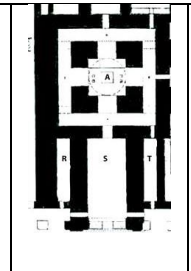
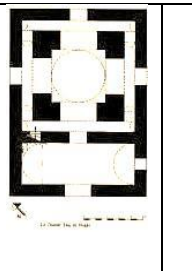
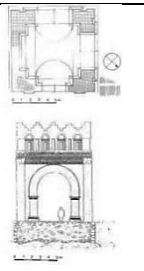
سکوسازی شکل گرفته است، تقویت می‌کند. از این دیدگاه، نحوه قرارگیری پاپیون بر روی سکوی سنگی با فرم اجرایی معابد نساء، سرخ کتل، خورهه، کنگاور، تپه یحیی، محوطه غربال بیز، کوه خواجه، تپه ناریشان، و در مقیاس وسیع‌تر در برده نشانده و مسجد سلیمان (حیدری، ۱۳۹۱)، همخوانی دارد. علاوه بر آن چنین به نظر می‌رسد که طرح کلی آن الگوی معماری تاق‌گرا در دوره ساسانی بوده است (همان).

جدول ۲- مقایسه ساختاری بناهای یادبود سزار در روم و پاپیون زهاک

					
طاق سوسا ۸-۹ ق.م پیمنتو-ایتالیا	طاق آگوستوس ۲۷ ق.م ریمینی-ایتالیا	طاق تراژان ۱۱۴ م. بنونتو-ایتالیا	طاق سپتیموس. ۱۴۶ م خمس-لیبی	طاق یادبود سپتیموس. ۱۸۳ م. لاتاکیا-سوریه	پاپیون زهاک قرن اول و دوم میلاادی. هشتروند

هرچند به لحاظ شیوه پوشش فضای مربعی شکل (بشن) زیر چهارتاقی زهاک و نمونه‌های ساسانی تفاوت‌هایی وجود دارد، به دلیل تشابهات موجود در نحوه انتقال فضای مربع به گنبد و گوشه‌سازی، به نظر می‌رسد ساختار پاپیون یکی از تأثیرگذارترین نمونه‌ها بر فرم‌های معماری مذهبی ساسانی باشد که طرح آن بعدها در معماری آتشکده‌های ساسانی مدنظر قرار گرفته است.

جدول ۳- تشابهات ساختاری پلان پاپیون زهاک و آتشکده‌های ساسانی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

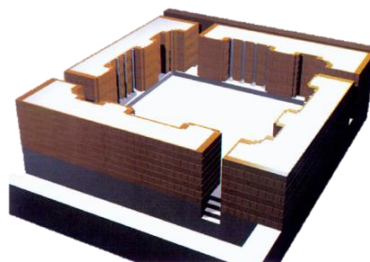
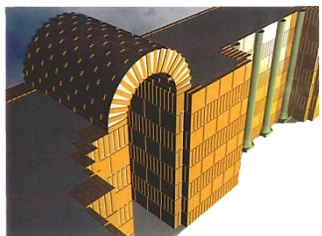
					
چهارتاقی زرشیر جنوب شرقی فسا-شیراز (Huff, 1975)	چهارتاقی قلعه‌دختر فیروزآباد (Huff, 1971)	چهارتاقی در قصر شیرین (Reuther.198:553)	پلان فضایی مربوط به معبد در محوطه تخت سلیمان-تکاب	چهارتاقی نگار روستای نگار- جنوب غربی کرمان	پلان و نمایی از پاپیون زهاک (محمدی- فر، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

۳-۵. معبد

معبد، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده تشکیلات حکومتی پارت می‌باشد (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۲۱۵). موقعیت قرارگیری آن در بخش مرکزی محوطه با ارتفاعی بلندتر از سایر بخش‌های مجموعه، از نقش محوری معبد در محوطه زهاک حکایت دارد. به لحاظ ساختاری، طرح کلی آن شامل تالاری به ابعاد 11×11 متر می‌باشد که این ابعاد نزدیک به اندازه تالار اصلی در معبد هاترا ($10/157 \times 10/54$) (درخششی، ۱۳۸۴)، بخش مرکزی در معبد تخت‌سلیمان ($10/53 \times 10/54$)، فضای مربع‌شکل معبد مهرورجوی مراغه (10×10) (شجاع‌دل، ۱۳۸۴) و معبد کوه خواجه سیستان ($10/58 \times 10/58$) است که همگی نشان‌دهنده تناسب معماری مشخص و نزدیک به هم در پلان معابد می‌باشد.

در بنای معبد از وضعیت طبیعی زمین بهره‌گیری شده است. قطر دیوارهای معبد ۲ الی ۳ متر می‌باشد که در فاصله ۳۰ متری از بنای چهارتاقی قرار گرفته است. اصل قرینه‌سازی در این بنا به طور کامل رعایت شده، به طوری که در چهار جهت طاقچه‌های بزرگی به طول ۳ متر، عمق ۶۰ سانتیمتر و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر از کف تالار ایجاد شده است که هر کدام چهار عدد نیم‌ستون گچی تزئینی در داخل و دو نیم‌ستون ظریف در لبه خارجی دارند^(۶). چهار ورودی در چهار جهت، امکان دسترسی به تالار مرکزی را از طریق چهار معبر به عرض ۱/۱۰ متر میسر می‌سازد.

سالکان در مراحل تشرف، باید از دالان‌های تاریک و تنگ که توهم‌آور بود عبور می‌کردند تا خود را به داخل مهرابه و جایگاه مقدس برسانند (کومن، ۱۳۸۳: ۱۶۶). خلسه و رهایی از حالت معمول از ملزومات آئین مهرپرستی بوده است. کسی که مراسم تشرف را سرپرستی می‌کرد، هنگام اجرای آداب ویژه، نان مقدس را با شربت مستی‌آور هوم می‌خورد؛ مهریار نیایش‌های مقدس را تلاوت می‌کرد، چنین آدابی با مراسم عشاء ربانی، نان و شراب، ولیمه و سر مقدس میان مسیحیان قابل‌مقایسه است (همان: ۱۶۲). شراب نیروی وهم و خیال او را تحریک می‌کرد، تا پیمایش مسیر دالان‌های تاریک با تحریک نیروی توهم زائر قرین گردد، ارواح مقدس آسمانی را پیش‌روی خود می‌دید و در حالت خلسه و بی‌خودی، می‌پنداشت که خلع بدن کرده و روانش در جهان ناشناخته‌ای سیر می‌کند. فضای تالار کمی پایین‌تر از کف زمین قرار دارد که این شیوه اجرا قابل‌مقایسه با ساختار معماری مهراب کارنتوم می‌باشد که مطابق معمول پایین‌تر از سطح زمین بنا شده است. پی بنا از تراش و مسطح نمودن کف صخره‌ای حاصل شده است و پس از اجرا، آن را در چندین مرحله گچ‌اندود کرده‌اند (قندگر، ۱۳۸۴). وجود مدخل ورود آب در میانه ضلع شرقی که در گذر از عرض خود به ضلع غربی ختم می‌شود، به احتمال قوی بیانگر محل جریان خون- آب قربانی در فضای داخلی تالار می‌باشد. از طرفی وجود باریکه ناودان در میانه ضلع غربی که از بالا به پایین امتداد دارد، احتمال وجود طبقات را در آن تقویت می‌کند. تاقچه‌های کور طاق‌دار به شکل یک نوآوری، معماری تالار مرکزی را متمایز کرده است (درخششی، ۱۳۸۴). به لحاظ تزئین، گچ بیشترین حجم تزئینات معبد را تشکیل می‌دهد، از این روی، شیوه در امان ماندن آن از روند تأثیرات جوی تأمل‌برانگیز است؛ این که هیچ‌گونه نشانی از داغ ستون و بقایای چوب در تالار یافت نشده، در صورت اجرای پوشش آن با آجر، باید پوشش دهنه ۱۱ متری و چگونگی انتقال بار آن به پایه‌ها را پدیده‌ای در مهندسی دوران تاریخی در پوشش فضای مربعی شکل به صورت تاق‌آهنگ دانست. هرچند، بقایای پاکار تاق‌های مازهدار سازه مرکزی در ورودی تالارها پابرجاست، نمی‌توان نوع روند پوشش تالار را به طور یقین تفسیر کرد. با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به این که نخستین مهرابه‌های ایجاد شده در غارها - مانند معبد مهر ورجوی و معبد ابادر اردبیل (شکاری نیری، ۸۵) - دارای فضای منحنی‌شکل بوده‌اند، پوشش منحنی‌وار، به خصوص گنبد، از عناصر جدایی‌ناپذیر معماری مهرابه‌ها در این دوره بوده است.

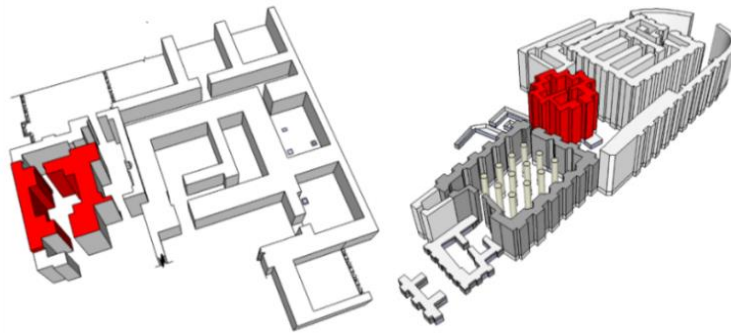


تصویر ۳. بقایای معبد مهری در مجموعه زهاک و بازسازی بخشی از تاق‌های مازهدار در ورودی‌ها و تاقچه‌های تزئینی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

۳-۶. بنای چلیپایی

بقایای معماری بنای چلیپایی شکل به مساحت ۱۶ متر مربع و ملحقات آن، شرقی‌ترین بخش از مجموعه زهاک را شامل می‌شود. تطابق تکنیک آجرچینی آن با پاپیون و تالار، نشان از همزمانی ساخت هر سه بنا می‌باشد. با این حال، قرارگیری آن در بخش شرقی و اندیشه‌های مرتبط با خورشیدپرستی، در محل قرارگیری آن بی‌تأثیر نبوده است. پر واضح است که به جهت کاربری محوری این بنا در قسمت شرقی مجموعه زهاک، سایر الحاقات معماری موجود در راستای تکمیل کاربری آن شکل گرفته است. این در حالی است که ارتباط بنای چلیپایی با تالار و پاپیون از طریق راهروهای خشتی صورت می‌گرفته است.

آنچه در این بنا قابل توجه است، وجود محراب و طاقچه علاوه بر سکوی کنار محراب است. در ساختار این بنا هیچ‌گونه اثری از سوختگی وجود ندارد و دیواره بنا شامل اندودی از گچ می‌باشد. به نظر، کاربری این بخش، محلی برای نگهداری تندیس‌ها بوده و سکوی مقابل آن نیز مؤید این فرضیه است. ساختار چلیپایی این بنا قابل مقایسه با قدیمی‌ترین ساختار معماری مشابه با کاربری مذهبی در نوشیجان تپه متعلق به دوره ماد می‌باشد که نمونه‌های اشکانی آن با کاربری مذهبی در صدرروازه وجود دارند. فرم چلیپایی، وجود محراب، محل تمثال و سکوهای واقع در این مجموعه مؤید کاربری مذهبی آن می‌باشد (قندگر، ۱۳۸۴).



طرح ۱. راست: نوشیجان تپه - قدیمی‌ترین نمونه بنای چلیپایی شکل با کاربری مذهبی
چپ: مجموعه زهاک - بنای چلیپایی شکل با کاربری مذهبی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

جدول ۴. بناهای چلیپایی با کاربری مذهبی در دوره ساسانی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

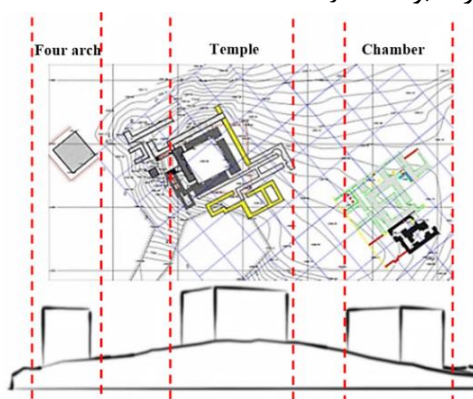
<p>بیشاپور - بقایای معبد در کاخ شاپور (سرافراز و فیروزمندی: ۱۳۸۷:۲۸۳)</p>	<p>مجموعه رومی یا رهنی در جنوب شرقی فراسیند (نگارندگان: ۹۳)</p>	<p>تخت‌نشین - فارس (Huff, 1972)</p>

۳-۷. سلسله‌مراتب فضایی

هایکینز در خصوص تقسیم‌بندی معابد به نقل از گدار چنین بیان می‌کند:

«تمایزی بین نیایشگاه‌های آتش با معبد وجود دارد؛ معبد مکانی بود برای پرستش، که شمار زیادی از اشخاص عادی می‌توانستند به آن دسترسی پیدا کنند، اما نیایشگاه آتش مکانی بود که تنها روحانیان اجازه دخول به آن را داشتند، از طرفی وی معتقد است که نیایشگاه‌های آتش (ایدانه) نخستین بار در زمان هخامنشیان به کار گرفته شدند ولی ساخت آتشکده‌های واقعی، یعنی ترکیبی از نیایشگاه آتش و مکان‌های قربانی تا اواخر دوره اشکانی معمول نبود» (درخششی، ۱۳۸۴).

در صورت چنین تقسیم‌بندی‌ای از معابد، می‌توان تالار قلعه را معبد و بنای چلیپایی واقع در شرق تالار را که دارای کاربری مذهبی می‌باشد، نیایشگاه (نمازخانه) نامید. طرح استرلیزه مجموعه شامل سه حجم مکعبی-شکل می‌باشد که جهت‌گیری آنها در راستای چهار جهت اصلی قابل توجه می‌باشد و این شیوه قرارگیری با جهت‌گیری پلان معابد موجود در محوطه‌های نساء، آی‌خانم، گارثوس، پری پتروس، معابد رومی شهر کالجستر، مهرورجوی، معبد خورهه و کاخ سلوکیه هم‌خوانی دارد. بنای معبد به لحاظ اهمیت و نقش محوری آن، در ارتفاعی بالاتر از سایر بخش‌ها قرار گرفته است. با توجه به موقعیت قرارگیری مجموعه نسبت به راستای طلوع آفتاب و نحوه استقرار ورودی‌ها، چنین به نظر می‌رسد ورود به مجموعه از قسمت شرق میسر می‌شده و توالی تشریف پس از عبور از تالار در پایون، به عنوان محل تلاقی خورشید و معبد در نقطه‌ای از زمین تکمیل می‌شده است. به طور تقریبی و نسبی، امتیازهای اشرافی و طبقاتی در این سازمان‌ها و تشکیلات وجود نداشت، چون آموزش‌های میترائیسم سبب می‌شد تا نظام طبقاتی و امتیازهای حاصله بی‌معنی شود (کومن، ۱۳۸۳: ۱۷۵). از این رو، ساختمان‌هایی با سبک‌های معماری متفاوت در مجموعه دیده نمی‌شود. چنین به نظر می‌رسد که حدفاصل حصار جنوبی و مراکز مذهبی را بافت شهری شامل محله‌هایی برای پیشه‌وران، بازرگانان، نظامیان و افراد آزاد پر کرده بود (قندگر: ۱۳۸۴).



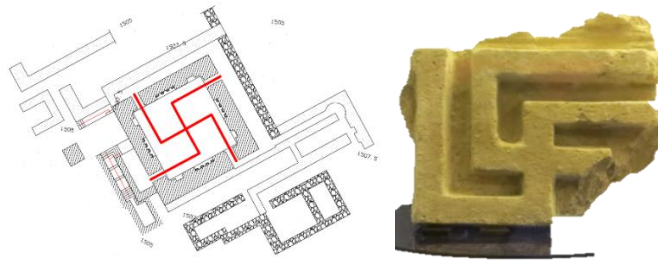
تصویر ۴. روابط فضایی و جانمایی بخش‌های مختلف مجموعه به لحاظ اولویت نقطه ارتفاع (نگارندگان: ۱۳۹۳)

۳-۸. تزئینات

آنچه مسلم است، تزئینات در نوع معماری معبد نه یک آرایش ظاهری، بلکه هنری راستین است که از عقاید ژرف خالقان آن نشئت می‌گیرد. در واقع، تزئینات در معماری معبد، مقولاتی بنیادین نه سطحی. از طرفی





تزئینات عاملی است که معماری و هنر را در ارتباط با هم قرار می‌دهد، تا جایی که در معماری معبد پارسی زهاک، درون‌مایه‌های معماری غالب در قالب تزئینات مطرح شده است.

تشریف‌یافتگان به کیش مهر به هفت مرتبه تقسیم می‌شدند که از پایین‌ترین مرتبه آغاز و در بالاترین مرتبه پایان می‌یافت. این مراتب به ترتیب عبارت بودند از کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید و پیر (کومن، ۱۳۸۳: ۵۶). وجود اندیشه مشترک مذهبی در رابطه با مهرپرستی و طبقات آن، ایده‌های تزئینی مشترکی را در رابطه با هنر تزئین در معابد اشکانی تحمیل کرده است، تا جایی که همگونی تزئینی در رابطه با عناصر مذهبی پارسی قابل مشاهده است. با این تفاوت که معابد اروپایی اکثراً نقوش برجسته میترا را همراه با سمبل‌های اعتقادی آن آئین در معابد خود حجاری کرده‌اند (شکاری نیری: ۱۳۸۵).



تصویر ۵. بازتاب سواستیکا در معماری معبد زهاک (هم‌نشینی تزئین و فرم معماری) در طی یک سیکل گردش (نگارندگان: ۱۳۹۳)






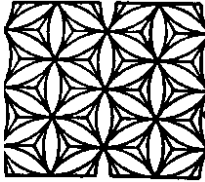

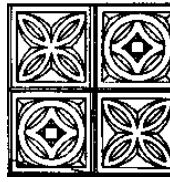


جدول ۵- بخشی از بقایای عناصر هفت‌گانه مهرپرستی در طی کاوش‌های به‌عمل آمده در مجموعه زهاک (نگارندگان: ۹۳)

			
به احتمال زیاد پدر	شیر	سرباز	کلاغ در حال پنجه زدن بر پشت گاو

در این میان رسم قربانی گاو - که به نظر می‌رسد دارای سابقه‌ای دور در سرزمین‌های آسیایی بوده است^(۷) - مهم‌ترین موضوع تزئینی مهرابه‌ها را به خود اختصاص داده است. بنا بر باورهای برخی از اقوام ابتدایی، خون، تحرک و نیروی آدمی را افزون می‌ساخت و کسی که بدن خود را بدان آغشته می‌کرد و یا می‌نوشت، نیروی حیوان قربانی شده یا «توتم قومی» را به خود منتقل می‌کرد. تزئین معبد مهر را با گل و گیاه، تحت‌تأثیر این قربانی شگرف می‌دانند. در اکثر نمونه معابد اروپایی، مطابق باورهای پرستندگان، نیروهای خیر که به صورت سگ تجسم شده‌اند و نیروهای شر، که به صورت مار و کژدم هستند، نبرد بی‌پایانی به جهت دستیابی به سرچشمه حیات، یعنی خون گاو دارند (کومن، ۱۳۸۳: ۱۱۵). هرچند در نمونه ایرانی - معبد زهاک - چنین تصویرسازی‌هایی به دست نیامده، با این حال، اهمیت گاوکشی و جزئیات دخیل در آن در رابطه با نحوه به زانو درآمدن گاو با نمونه‌های معابد متأخر رومی قابل مقایسه است (Deman, 2011:78).

طرح‌واره‌های به‌کاررفته در معماری معبد همچون نیم‌ستون‌های تزئینی (Kiani, 2012)، به‌گونه‌ای است که می‌تواند یک فضای روان سیال و یکپارچه-فضایی که در آن انفصال و گسستگی بین سقف دیوار و کف بنا را به کمترین مقدار حس کنیم- خلق نماید. تزئین با گچ را باید مهم‌ترین شاخصه هنری پارسی دانست؛ (Curtis, 2009) از طرفی وجود همگونی بصری در تزئینات مربوط به یک دوره تاریخی اجتناب‌ناپذیر است. از این منظر الگوی مشابه تزئینی بین نقوش گچی مجموعه زهاک و محوطه‌های هم‌دوره وجود دارد.

جدول ۷. تزئینات وابسته به معماری در محوطه زهاک و نمونه‌های هم‌دوره پارسی

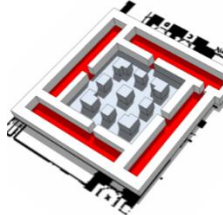
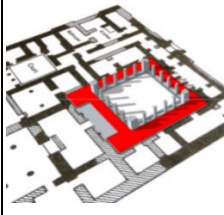
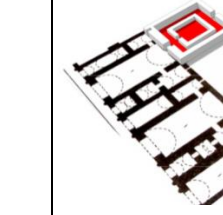
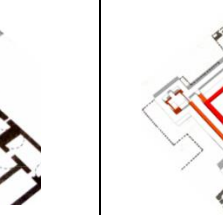
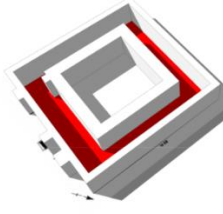
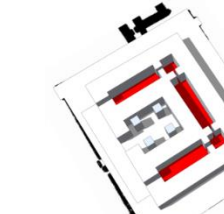
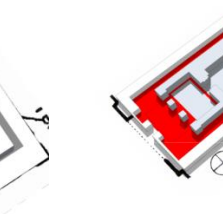
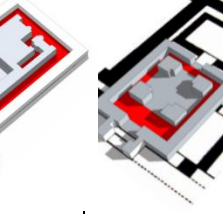

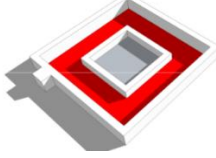
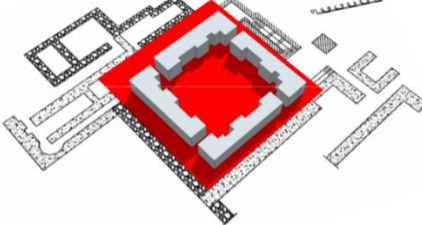
					تزئینات گچی زهاک قلعه
					تزئینات گچی پارسی (سده اول م)
گچبری از سلوکیه (Colledge, 1977)	گچبری کوه خواجه (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۳۳)	گچبری از سلوکیه (Colledge, 1977)	گچبری از سلوکیه (Colledge, 1977)	مهر اشکانی از قومس (Colledge, 1977)	

۴. ریخت‌شناسی معابد دوران مهری و نمونه‌های مشابه رومی پیرامون سده اول میلادی

مشخصه کلی همه معابد اشکانی بدون در نظر گرفتن تاریخ ساخت و فرم معماری، قرارگرفتن آنها در کنار مراکز حکومتی می‌باشد (شکاری نیری، ۱۳۸۵). مهرابه باید در مکانی ساخته می‌شد که دسترسی به آب جاری امکان‌پذیر باشد. طرح معبد ایرانی این عصر، شامل یک تالار مرکزی مربعی بود که به وسیله رواقی در پیرامون از محوطه خارج جدا می‌شد (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۳۸). از طرفی، به لحاظ سازه‌ای و به تقلید از نخستین گونه‌های طبیعی معابد مهرپرستی در غارها، همچون نیایشگاه مهرورجوی، فضای مربع‌شکل قسمت مرکزی دارای پوشش گنبدی بوده است. به طور کلی، ناهماهنگی سنگ با اقلیم ایران، معماری معابد ایرانی را به لحاظ نوع مصالح، از گونه‌های یونانی-رومی متمایز ساخته است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۹۶). وجه مشترک معماری معابد این دوران را باید قرینه‌سازی، ایجاد فضای غلام‌گردش پیرامون فضای اصلی، بهره‌گیری از پوشش‌های خمیده تاقی و گنبدی به جهت تقلید از نخستین نمونه‌های طبیعی، استفاده از تاق‌های مازهدار، پی‌سازی با سنگ لاشه، هماهنگی بین تزئینات و ساختار معماری، توجه به تناسبات مشابه و مدولار در ارائه پلان، ترکیب فضایی عناصر مذهبی با کاربری‌های متفاوت و نقش جغرافیا (کوهستان) و طبیعت پیرامون (آب و رودخانه) در شکل‌گیری آنها دانست. از طرفی جایگاه آفتاب در مبانی مهرپرستی موجب شده تا شکل‌گیری پلان

چهارگوشه آن در راستای چهار جهت اصلی موجب تداخل ایده‌های نظری میتراثیسم در رابطه با طلوع و غروب آفتاب و تأثیر عرفانی آن بر هر چهار نمای بنا در ساعات مختلف روز شود.

جدول ۸- جانمایی فضای غلام گردش پیرامون در معابد پارتنی (طرح از نگارندگان: ۱۳۹۳)

			
مبد تخت سلیمان	معبد نیپور	معبد هاترا	معبد نساء
			
معبد میترائی از کالجسترلندن. معبد شماره ۵ (Wheeler, 1923)	معبد جتدیان	معبد سرخ کتل	معبد کوه خواجه
<p>غلام گردش </p>			
	کالجسترلندن. معبد شماره ۴ (Wheeler, 1923)	قلعه زهاک. فضای گردش پیرامون بخش اصلی معبد	

۵. تاریخ‌گذاری

پیرو بررسی‌های باستان‌شناختی، دوره اشکانی در مجموعه زهاک، به لحاظ تاریخ استروکاهای مکشوفه- که نوع خاصی از رسم‌الخط بومی پارتنی و زبان آرامی مییاشد- بیانگر سال دقیق آنها بنابر مبداء تاریخ سلوکی مییاشد که بر روی دو قطعه سفال، تاریخ ۳۷۲ سلوکی عنوان شده است. با تبدیل آن به سال میلادی، این تاریخ برابر با سال ۶۱ میلادی خواهد بود (قندگر، ۱۳۸۴). از این رو، جریان حیات پارتنی در طی سده اول میلادی در آن انکار ناشدنی است. با این حال، روند گسترش فضاهای معماری در آن به لحاظ سیاسی مقارن با توسعه قلمرو اشکانی در غرب و شمال غرب ایران، ضمن مقاربت منطقه مذکور با مرزهای سیلسی ارمنستان و افزایش تنش نظامی در طی حکمرانی مهرداد دوم می‌باشد، چرا که انتقال مراکز حکومتی منطقه شمال غرب و غرب ایران به منظور نظارت بر منطقه مذکور از عمده سیاست‌های پیش‌رو در طی دوره پارتنی در ایران

می‌باشد. به لحاظ گونه‌شناسی معماری، فرم معماری بناهای مجموعه زهاک نزدیک به بناهای یادبود سزار در روم می‌باشد که نحوه آجرچینی و نوع قوس‌های مازهدار آن با ساختار معماری معبد هاترا و کاخ آشور همخوانی دارد که همگی مؤید محدوده زمانی نیمه دوم سده اول میلادی و اوایل قرن دوم میلادی می‌باشند. از طرفی به لحاظ تزئین، پیروی از آرایه‌های مشترک نشئت‌یافته از اندیشه‌های میترائیسم را که باید آن را بن‌مایه تزئین معماری معابد مهر دانست، تعلق خاطر آن را به تاریخ پیشنهادی بالا تأیید می‌کند، که از این منظر همگونی تزئینی بین مراکز مذهبی پارتی و مجموعه زهاک -در طول بازه زمانی مورد بحث (اواخر قرن اول م. و اوایل قرن دوم م.)- مشهود است.



تصویر ۶. نمونه‌ای از سفال نوشته‌های مکشوفه در مجموعه زهاک (نگارندگان: ۱۳۹۳)

۶. بحث درباره مطالعات صورت گرفته و یافته‌های موجود

از آنجایی که بررسی بقایای معماری مجموعه زهاک به دلیل کمبود اطلاعات به دست آمده از کاوش‌های علمی، محدود به لایه‌های ملموس سطحی دوران اسلامی و اواخر ساسانی بوده است، اغلب محققان همچون مونت ایث، راولینسون و شیپ مان ضمن معرفی بقایای معماری آن در دوره زمانی مذکور، لایه‌های اصیل معماری پارتی را در آن محوطه نادیده گرفته‌اند. از طرفی مطالعه جوامع بشری و هنر و معماری مرتبط با آن ضمن نیاز به دانش لازم، متضمن شناخت همه‌جانبه ابعاد فرهنگی اجتماعی و جغرافیایی منطقه‌ای زهاک می‌باشد؛ این که چرایی و چگونگی شکل‌گیری قدیمی‌ترین نمونه معبد اشکانی در فلات ایران با دیدی تک‌بنایی و با نادیده گرفتن پتانسیل دفاعی شمال غرب کشور با قرارگیری در شاهراه تجاری عصر پارتی صورت می‌گیرد نکته‌ای است که باید بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. هرچند کاوش گروه ایرانی به سرپرستی جواد قندگر، به کشف ابعاد مختلف هنر و معماری اشکانی در آن محوطه انجامید، اما به علت عدم انتشار منسجم گزارش حفاری باعث می‌شود که نتوان هنوز نوع کاربری فضاها را مشخص کرد. علاوه بر آن تاریخ‌گذاری انحصاری مبنی بر اشیاء منقول فرهنگی و عدم مطالعه تطبیقی پلان، فرم معماری و تزئینات وابسته به آن مبنای تاریخ‌گذاری دقیقی برای آن نبوده است.

۷. نتیجه

برقراری سازمان‌های نظامی رومی، بنیان‌گذاری لشکرها و گرفتن خراج و مالیات، برقرار ساختن ارتباط‌هایی با اهداف نظامی‌گری، گشودن سرزمین‌های مختلف و گوناگونی مستعمرات با راه‌های ارتباطی دشوار و کوهستانی،

به تدریج مستعمرات رومی را به صورت ایالات به هم پیوسته‌ای که زیر فرمان رومیان بودند درآورد. این مستعمرات به هم پیوسته تا نینوا و پشت مرزهای ایران گسترش یافت و سبب شد تا ایران به مدیترانه پیوسته شود. چنین به نظر می‌رسد که تماس نظامی-سیاسی رومیان و اشکانیان در نقطه مشترک ارمنستان، غرب و شمال غرب ایران، یکی از نخستین عوامل محتوم انتشار آیین میترا بود که اسباب ورود و شناسایی آن در جهان پهناور لاتینی را از طریق گروه‌های نظامی رومی فعال در منطقه مزبور فراهم آورد. تجربه اکتسابی روم در ارتباط با شمال غرب ایران، با دارا بودن پتانسیل طبیعی تاریخی به سبب رشد و توسعه اندیشه‌های میترائیسم باعث شد تا دین در نظام رومی تحت تأثیر ایده‌های نشئت‌گرفته از نظامی‌گری، آئین مهر را پذیرا گردد.

معماری این دوران وارث سنن مختلف بوده است، از سویی سنت‌های کهن آسیای مرکزی را با خود به همراه داشته و از سویی دیگر، به ویژگی‌های معماری بومی ایرانی نگریسته شده است. بر این مجموعه سنت‌های یونانی را نیز باید افزود که در طول حکومت یونانیان در ایران رایج شده بود، با فتح بین‌النهرین بر این تنوع افزوده شد و سبک تلفیقی معماری اشکانی به گونه دیگری تداوم یافت. در این میان، جای‌گیری معابد با اصول معماری نزدیک به هم، در قلب تشکیلات پارتی را باید جزء جدایی‌ناپذیر سیاست اشکانیان دانست، چرا که با احداث مهرابه‌ها و هدایایی که به آنها وارد می‌شد، هزینه‌های لازم مربوط به مرمت و نگهداری مجموعه، با برپا کردن جشن‌ها و مراسم باشکوه، تأمین و با توسعه کالبد حیات تشکیلات و نهادها، خلأ موجود در رابطه با کشمکش‌های مذهبی در برابر همتای رومی رفع می‌گردید. با توجه به وجود سابقه مهرپرستی در جغرافیای ایرانی، به نظر می‌رسد ایده‌های مرتبط با آن از طریق شمال‌غرب و غرب ایران بر کالبد دولت روم تزریق شده و هم‌پای آن معماری معابد شرقی در اجرای نمونه‌های مشابه رومی مورد تقلید واقع شده باشد.

۸. پی‌نوشت

۱. در حالی که به همه جنگ‌افزارهای بهترین آراسته و مسلح است، چون طوفان به سوی کج‌رهان و دشمنان می‌تازد و نابودشان می‌کند. اقوام و جوامع دشمن پیروان خود را به هنگام جنگ چون او را فرا خوانند به زیر آمده و یاری داده و شکست به دشمنان وارد می‌سازد (کومن، ۱۳۸۳: ۲۵).
۲. میترا را خدای روشنایی، نور و آسمان می‌دانند. او را پشتیبان راستی و دشمن سرسخت دروغ و کژراهی. مردم به هنگام پیمان بستن وی را به شهادت و یاری فراخوانند، او پشتیبان وفای به عهد است و پیمان‌شکنان را مجازات می‌کند (همان: ۲۵).
۳. تنها معبد اشکانی موجود در جنوب شرق ایران - کوه خواجه - بر روی تنها عارضه طبیعی در دشت سیستان است که در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل قرار دارد.
۴. در روم خدای شیر سر (کرونوس) مورد ستایش بوده است (Bremmer: 2006).
۵. Astyages، نام این پادشاه را «اژدهاک» و «ایخ توویکو» هم نوشته‌اند. نام چهارکین پادشاه ماد در کتیبه‌های بابلی Ishtovygu یاد شده است.
۶. عرض مشابه تاچه‌ها نشان‌دهنده اهمیت یکسان آنها در رابطه با فضای معبد می‌باشد.
۷. تدهین و یا غسل نمادین با خون قربانی، میان اقوام ابتدایی در برخی سرزمین‌های آسیایی از جمله ایران، تا همین اواخر برای کودکان نوعی قربانی مذهبی انجام می‌شد که با انگشت از خون حیوان، کودک مسح می‌شد (کومن، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

۹. منابع

- احمدی، فرج الله (۱۳۹۲). «پیامدهای تقسیم ارمنستان میان ایران و روم در دوره ساسانی»، *تاریخ اسلام و ایران*. سال ۲۳. شماره ۱۷. صص ۳-۲۱.
- بیوار، ا. د. ه (۱۳۸۳). *تاریخ سیاسی اشکانیان در دوره اشکانیان*. تاریخ ایران. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. ج سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تهران: نشر سروش دانش.
- حیدری، علی اکبر (۱۳۹۱)، «تحلیل فضایی معماری معبد آناهیتا کنگاور»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. شماره ۷. صص ۷۳-۸۶.
- درخششی، حسن (۱۳۸۴)، «باستان‌شناسی قلعه زهاک بر اساس مطالعات تطبیقی»، *اثر*، شماره ۳۸ و ۳۹. صص ۶۱-۸۴.
- دوشن گیمن، ژاک (۱۳۸۵)، *دین ایران باستان*، ترجمه رویا منجم، تهران: انتشارات علم.
- سرافراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن (۱۳۸۷)، *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی*، تهران: مارلیک.
- شریفیان، مهدی و غفوری، رضا (۱۳۸۷)، «بازتاب مهرپرستی در شاهنامه فردوسی»، *مطالعات ایرانی*، شماره ۱۴. صص ۱۳۱-۱۴۶.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۵)، «امامزاده معصوم و رجوی مراغه معبد مهرپرستی ایرانی و نشان‌ها در معابد اروپایی»، *مطالعات ایرانی*، شماره ۱۰، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷)، *ماه در ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فردوسی (۱۹۶۶ م.)، *شاهنامه*، به تصحیح ی.ا. برتلس و دیگران، مسکو.
- قندگر، جواد (۱۳۸۴). *گزارش حفاری مجموعه زهاک*، محفوظ در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی.
- کومن، فرانسیس (۱۳۸۳)، *آئین پر رمز و راز میترائی*، ترجمه محمود به‌فروزی، تهران: بهجت.
- گریمال، پیر (۱۳۶۷)، *فرهنگ اساطیر یونان و روم*، ترجمه احمد به‌منش، تهران: دانشگاه تهران.
- گیریشمن، رومن (۱۳۸۸)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷)، *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۹۰)، *باستان‌شناسی دین (با فانوس خیال در جستجوی آیین‌های گمشده)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ورستاندیک، آندره (۱۳۸۶)، *تاریخ امپراطوری اشکانیان*، ترجمه محمود به‌فروزی، تهران: جامی.
- Agnes, K., 2010. *Parthian theology*, School of Oriental Studies, Vol. 3. No 73, Pp 415-436.
- Armstorn, D., 2010. *The biographical and social foundations of Horace's Poetic Voice*, Yale University Press.
- Bremmer, J. N., 2006. *The religion of the Mithras cult in the Roman Empire*. New York. Oxford University Press.
- Cumont, Franz. McCormack, Y. Thomas, K. 2009. *The Mysteries of Mithras*. Dover Publications. pp. 227-8.
- Curtis, Vesta Sarkhosh, 2009, *The Iranian revival in the Parthian period*, London and New York, I.B. Tauris and Co Ltd., in association with the London Middle East Institute at SOAS and the British Museum, pp. 7-25
- Demant, A., 2011. *Mithras and Christ: some iconographical similarities*, in, Hinnells, John R., (ed.), *Mithraic studies*, Vol. 2, Manchester University Press. pp. 507-17.
- Frye, R.N., 1983. *The political history of Iran under the Sasanians*, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 116-180.

- Ghirshman, R. 1976. *Terrasses sacrees de Barde Neshandeh et Masjid Solaiman*, vol.2. MDAI, Parise.
- Kleiss, W. and Peter Calmeyer, 1973. Qalehi Zohak in Azarbaidjan. *AMI*, 6.
- Kiani, M. G., 2012. The aspects of Iranian art in the Parthian period, *World Applied Sciences Journal* 18 (8), 1110-1118.
- Meyer, Marvin 2006. *The Mithras Liturgy*, Princeton University Press, pp. 179–180.
- Miller, W., 2006. The voyage of the Parthian: life and religion, *The Hawaiian Journal of History*, 40 (12) Pp 27-41.
- Moghadam, M. 1975. *Mithra, Second International Congress of Mithraic Studied*, Tehran. Univrsity of Tehran.
- Poirot, John Joseph, 2003. *Investigating the philosophy of Roman Mithraism temples*. A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State Mechanical College in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of Master of Arts, Department of History. December, 2003
- Nasstrom, Britt-Marie, 2004. *Man and animal in antiquity*, Proceedings of the conference at the Swedish Institute in Rome, September 9-12-2004.
- William A. Johnson, 2010. *Readers and reading culture in the High Roman Empire: a study of elite communities*, Oxford, Oxford University Press.
- Sheldon, Rose Mary 2010, *Rome's wars in Parthia: blood in the sand*, London, Valentine Mitchell Publication.
- Wiesehöfer, Josef 2010. *The late Sasanian Near East*, The New Cambridge History of Islam Vol. 1. Cambridge, Cambridge University, pp. 98–152.
- Liu, Xinru 2010. *The Silk Road in world history*, Oxford, Oxford University Press.
- Malandra, William 2011. *An introduction to ancient Iranian religion*, Minneapolis, University of Minnesota Press.
- Scheidel, W., 2009. *Rome and Parthian: comparative perspectives on ancient world empires*, Oxford, Oxford University Press.
- Tahmouri, Ali, and Hoseinrazavi, Sarvenaz 2013. Study about presence of nature in Iranian architecture with analytical approach on water, *World Applied Programming*, Vol. (3), Issue (9), pp. 406-416.
- Wheeler, R. E. M., 1923. An insular of Roman colchester', *Trans. Essex Archaeol. Soc.* 16 (ns), 7-41
- Colledge, M. A. R. 1977. *Parthian Art*. London. West View Press.